

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2018Y3N8A7 ISSN-P: 2538-3701

تحلیل حقوقی تعدیل وجه التزام در نظام حقوقی افغانستان و ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۱۲)

پوهنمل د کتر محمد اسحق رحیمی

عضو هیئت علمی دانشگاه بلخ، افغانستان

چکیده

یکی از شروطی که طرفین هنگام انعقاد یا بعد از انعقاد عقد در ضمن عقد پایه درج می کنند، شرط وجه التزام است. بر اساس شرط مورد نظر هرگاه متعهد قرارداد را نقض کند یا در اجرای آن تأخیر ورزد باید وجه مندرج در شرط را برای متعهدله زیان دیده تأدیه کند. هرگاه مبلغ مندرج در شرط متناسب با خسارتی باشد که از ناحیه تأخیر یا نقض قرارداد به متعهدله وارد شده است، متخلف ملزم به تأدیه آن به متضرر است. ولی هرگاه میان مبلغ مندرج در شرط و خسارت وارده تناسب وجود نداشته باشد، در نظام حقوقی افغانستان، دادگاه صلاحیت افزایش یا کاهش آن را دارد که در صورت درخواست متضرر می تواند مبلغ مندرج را به میزان خسارت وارده افزایش یا کاهش دهد. اما در نظام حقوقی ایران بنا بر تصریح مواد قانونی صلاحیت تعدیل شرط مندرج را ندارد، منتها آثار سوء ناشی از عدم تعدیل و اجرای بلاقید و شرط التزام، قواعد عدل و انصاف، لاضرر و لاجرح مقتضی آن است که دادگاه میزان مبلغ مندرج شرط را به تناسب خسارت وارده تعدیل کند. همچنین هرگاه قرارداد اصلی تجزیه پذیر باشد و متعهد جزئی از تعهد را اجرا کند و متعهدله به میزان تعهد انجام شده منتفع شده باشد، متعهد می تواند خواستار کاهش وجه التزام از دادگاه شود و دادگاه با احراز شرایط حکم به تعدیل وجه التزام می هد.

واژگان کلیدی: شرط، وجه التزام، نقض قرارداد، تأخیر در اجرای قرارداد، اجرای جزئی

قرارداد، تعدیل



بخش اول: کلیات

یکی از اصول حاکم بر قراردادها «اصل آزادی قراردادها» است. اصل یادشده به طرفین قرارداد صلاحیت می‌دهد که هر نوع قرارداد مشروع و قانونی را منعقد کنند. به علاوه بر اساس اصل یادشده طرفین آزاد هستند که هرگونه شرطی را که مخالف قانون، نظم عمومی، اخلاق حسنه و مقتضای عقد نباشد در ضمن عقد بگنجانند. یکی از شروطی که طرفین هنگام انعقاد یا بعد از انعقاد عقد، در ضمن عقد می‌گنجانند، «شرط وجه التزام» است. وجه التزام در واقع مبلغ معینی است که متعاقبین هنگام انعقاد عقد توافق می‌کنند که در صورت عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن متخلف به زیان‌دیده پرداخت کند. لذا، هرگاه طرف‌های قرارداد مبلغ مقطوعی را ضمن عقد شرط کنند که یکی از آن‌ها در انجام تعهدات قراردادی خود تخلف کند، مبلغ معینی را که در قرارداد تعیین شده است را به زیان‌دیده تأدیه کند. چنین شرطی تحت عنوان «وجه التزام» مشروع بوده و اعتبار آن بر اساس اصل حاکمیت اراده توجیه می‌شود و این شرط اقتضا می‌کند که توافق طرفین در تعیین مبلغ خسارت معتبر و الزام‌آور باشد. البته، ممکن است شرط یادشده بیشتر جنبه تهدیدی و بازدارندگی برای متعهد بابت نقض قرارداد داشته باشد که در این صورت شرط هشدار است برای طرفی که در سر خیال تخلف یا نقض قرارداد را می‌پروراند. به علاوه ممکن است مطالبه آن با اثبات ورود خسارت ملازمه نداشته باشد. لذا، هرچند که هیچ‌گونه خسارتی وارد نشده باشد، متعهد باید بدون کم‌وکاست آن را پرداخت کند. ممکن است مطالبه خسارت از پیش تعیین شده مستلزم اثبات ورود خسارت از سوی متعهدله باشد. همچنین شرط نوع اخیر از آنجا که به صورت دقیق از سوی طرفین برآورد و سنجش می‌شود، وجه مندرج در آن اغلباً متناسب با زیانی است که از نقض قرارداد به متعهدله وارد می‌شود. در حالی که در شرط نوع اول مبلغ مقطوعی را که طرفین به منظور جلوگیری از نقض قرارداد یا تأخیر در اجرای آن تعیین می‌کنند ممکن است متناسب با خسارت وارده باشد یا متناسب نباشد. از شرط نوع نخست به «وجه التزام» و از شرط نوع دوم به «شرط خسارت قراردادی» تعبیر می‌گردد. موضوع اصلی این مقاله را بررسی تطبیقی وجه التزام و طرح تعدیل آن در حقوق افغانستان و ایران تشکیل می‌دهد. لذا، این نوشته درصدد یافتن پاسخ به این پرسش‌ها است که شرط وجه التزام چگونه و چه زمان توسط طرفین در ضمن قرارداد



پایه شرط می‌شود. در صورت عدم برابری میزان وجه مندرج شرط مورد نظر با خسارت وارده، دادگاه تحت چه شرایطی می‌تواند آن را تعدیل کند. به علاوه در صورت اجرای قسمتی قرارداد توسط متعهد، تحت چه شرایطی دادگاه شرط مورد نظر را تعدیل می‌کند. از آنجا که پاسخ سؤالات یادشده در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه متفاوت می‌نماید، از این رو مباحث تفصیلی تعدیل وجه التزام در دو بند جداگانه تحت عناوین تعدیل وجه التزام در نظام‌های حقوقی مورد نظر بررسی می‌گردد. از سوی دیگر احکام مرتبط به تعدیل وجه التزام در نظام حقوقی افغانستان جامع‌تر از احکام آن در حقوق ایران است. لذا، نخست تعدیل شرط مورد نظر در حقوق افغانستان، سپس تعدیل آن در حقوق ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: تعدیل وجه التزام در حقوق افغانستان

معمولاً وجه التزام بابت عدم اجرای تعهد یا تأخیر در اجرای آن است که در قرارداد اصلی درج می‌گردد. شرط یادشده توافقی است که از اراده طرفین ناشی شده و به محض نقض قرارداد یا تأخیر در اجرای آن، ورود خسارت به متعهدله امر مفروض است. لذا، متعهدله در چنین موردی برای دریافت خسارت نیاز به اثبات ورود خسارت ندارد. اما مفروض بودن وقوع ضرر اصل مطلق نیست که استثناپذیر نباشد، بلکه با اثبات عدم ورود خسارت توسط متعهد، متعهدله مستحق دریافت خسارت نخواهد بود. به عبارتی هرگاه متعهد ثابت کند که بابت نقض قرارداد یا تأخیر در اجرای آن خسارتی به متعهدله وارد نشده است، در چنین موردی محملی برای اعمال وجه التزام نیست.^۱ همچنین از آنجا که وجه التزام جبران خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در اجرای آن است، میزان وجه التزام باید برابر خسارتی باشد که از ناحیه عدم اجرا یا تأخیر در اجرای تعهد به متعهدله وارد می‌شود.^۲ متناسب بودن شرط جبران خسارت با خسارت ناشی از نقض قرارداد مورد پذیرش قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال افغانستان قرار گرفته است؛ چنانکه بند دوم ماده ۸۱ آن قانون تصریح دارد: «...۲- هرگاه در قرارداد شرط جبران خسارات تعیین ولی اندازه آن

۱. نبیل ابراهیم سعد، النظرية العامة للالتزام، ج ۱، چ دوم بیروت، دار النهضة العربية، ۱۹۹۸، ص ۸۲

۲. محمد اسحق رحیمی، ضمانت اجرای نقض قرارداد در حقوق ایران و افغانستان، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه

شهید بهشتی، ۱۳۹۶، ص ۳۹۷.





مشخص نشده و مقدار پول قابل پرداخت، رابطه معقولی با خسارت پیش‌بینی شده یا ضرر عاید ناشی از نقض داشته باشد، خسارات قابل پرداخت در خصوص چنین نقض، به اقتضای حالت عبارت از اندازه‌می‌باشد که در قرارداد معین و یا با توجه به روش مورد توافق در قرارداد محاسبه می‌گردد...». علاوه بر آن اصل بدان رفته است که در فرض اختلاف میان طرفین، دادگاه باید به میزان توافق طرفین بی‌آنکه تعدیلی در آن ایجاد کند، بدان حکم کند. اصل یادشده نیز همانند اصل قبلی مطلق نیست، بلکه در برخی از موارد بنا بر دلایلی قانون‌گذاران کشورها برای قاضی صلاحیت می‌دهد که در موارد خاص خسارت از پیش تعیین شده توسط طرفین (وجه التزام) را تعدیل کند. از این روست که در بیشتری از نظام‌های حقوقی تابع حقوق مدون^۱ و از آن جمله نظام حقوقی افغانستان در موارد خاص برای قاضی صلاحیت تعدیل شرط و وجه التزام وجود دارد. به این صورت که هرگاه شرط یادشده غیرعادلانه باشد، قاضی می‌تواند به درخواست متعهد کاهش یا به درخواست متعهدله به آن افزایش ایجاد کند. قانون مدنی افغانستان مواد ۷۳۲ و ۷۳۳ با پیروی از قانون مدنی جدید مصر در موارد خاص که شرط وجه التزام نسبت به خسارت واقعی غیرعادلانه باشد، برای قاضی صلاحیت تعدیل آن را می‌دهد. به این صورت که هرگاه میزان وجه التزام مندرج در قرارداد بیشتر از خسارت وارده باشد، قاضی آن را کاهش دهد و چنانچه میزان وجه مندرج در وجه التزام نسبت به خسارت واقعی ناچیز و اندک باشد، آن را افزایش دهد. علاوه بر قانون مدنی افغانستان، بند سوم ماده ۸۱ قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال بیانگر تعدیل وجه التزام بوده و در این خصوص تصریح دارد: «... ۳- هرگاه محکمه تشخیص دهد اندازه پولی که به موجب شرط خسارت تعیین شده، قابل پرداخت می‌باشد، به صورت غیر معقول از اندازه خسارت یا ضرر پیش‌بینی شده ناشی از نقض قرارداد تجاوز می‌نماید، ماده یا شرط مذکور به اعتبار خود باقیمانده، ولی محکمه می‌تواند حسب صواب‌دید تغییری را در اندازه متذکره وارد سازد تا انتظارات معقول طرفین را که در زمان عقد قرارداد، داشته برآورده سازند». از آنجا که تعدیل وجه التزام مستلزم ایجاد کاهش یا افزایش در میزان آن است، دادگاه در فرض تعدیل وجه التزام حسب

¹. Nicholas Barry, French Law of Contract, London, Butteraeorth, 2nd Ed, 1992, p. 227.

صواب‌دید به کاهش یا افزایش آن اقدام خواهد کرد. از این رو موضوعات این بند ضمن دو فراز موارد کاهش و موارد افزایش وجه التزام در حقوق افغانستان به مطالعه گرفته می‌شود.

بند دوم: موارد کاهش وجه التزام

به استناد ماده ۷۳۱ قانون مدنی افغانستان که می‌گوید: طرفین می‌توانند در هنگام یا بعد از انعقاد قرارداد میزان خسارت ناشی از نقض یا تأخیر در اجرای قرارداد را تعیین کنند؛ در واقع وجه التزام جانشین ضرری است که از ناحیه عدم اجرای تعهد به متعهدله وارد می‌شود. لذا، مادامی که عدم ایراد خسارت به دلیل عدم اجرای تعهد به متعهدله ثابت گردد، باید متعهد از دادن وجه التزام عفو شود. همچنین هرگاه میزان وجه التزام نسبت به خسارت وارده بیشتر باشد؛ یا متعهد جزئی از تعهد را اجرا کند، در چنین مواردی باید میزان وجه التزام به اندازه خسارت وارده یا به میزان تعهد انجام‌شده به منظور برقراری عدالت قراردادی کاهش یابد.^۱ در غیر این صورت، وجه التزام ماهیت جبرانی خود نسبت به خسارت وارده را از دست می‌دهد. اما از آنجا که وجه التزام در حقوق افغانستان علاوه بر جنبه جبرانی، متضمن چهره تهدیدی و کیفری برای اجبار متعهد به اجرای تعهد و زدودن افکار نقض قرارداد نیز است. طبیعت تهدیدی آن باعث می‌گردد که طرفین عمداً به میزان گزاف نسبت به خسارت واقعی به توافق برسند. در چنین مواردی گزاف بودن وجه التزام نسبت به خسارت واقعی یا اجرای جزئی قرارداد باعث کاهش و تعدیل آن نمی‌گردد. از سوی دیگر در نظر گرفتن اصل آزادی و ثبات قراردادها و احترام به اصل حاکمیت اراده طرفین در وجه التزام مقتضی آن است که باید قاضی به اراده طرفین احترام گذاشته و تغییری را در میزان خسارت از قبل تعیین‌شده‌ای طرفین ایجاد نکند. اما بر اصل یادشده استثنائاتی وارد است. یکی از استثنائات آن موردی است که میزان وجه مندرج وجه التزام بیشتر از خسارت واقعی باشد. در چنین موردی قاضی در صورت درخواست متعهد می‌تواند وجه التزام را تعدیل کند و میزان وجه مندرجه را کاهش دهد. ماده ۷۳۲ قانون مدنی افغانستان در این خصوص تصریح دارد: «هرگاه مدیون ثابت نماید که ضمان تعیین‌شده غیر عادلانه بوده و با ضرری که از عدم تنفیذ نشأت نموده متناسب نمی‌-

^۱ . مصطفی الجمال، رمضان محمد ابوالسعود و نبیل ابراهیم سعد، مصادر و احکام الالتزام، ج اول، بیروت، منشورات الحلبي





باشد، دائن مستحق آن شده نمی‌تواند». بنابراین، هرگاه میان وجه التزام تعیین شده و خسارت واقعی عدم تناسب جدی و فاحش وجود داشته باشد و میزان وجه التزام بیشتر از خسارت وارده باشد، با درخواست متعهد قاضی صلاحیت می‌یابد که وجه مندرج در شرط را به میزان خسارت واقعی کاهش دهد و متعهدله را مستحق آن نداند. به علاوه قانون مدنی افغانستان در ماده ۶۹۸ با اصدار حکم کلی در خصوص قابلیت تعدیل برخی از شروط قراردادی، انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به موارد خاص با در نظر داشت عدالت نشان داده است. شرط وجه التزام نیز می‌تواند به نوعی مصداقی از این حکم کلی قرار گیرد. قسمت نخست ماده یادشده بیان می‌کند: «هرگاه عقد به صورت اذعان و تحت شرایط غیرعادلانه صورت گرفته باشد، محکمه می‌تواند شرایط متذکره را تعدیل و یا به براءت ذمه طرف مقابل طوری که عدالت مقتضی آن است حکم نماید...». با توجه به ماده یادشده چنانچه قراردادی تحت شرایط غیرعادلانه انعقاد یافته باشد، دادگاه صلاحیت تعدیل شرایط مندرج در قرارداد را منطبق با اصول و قواعد عدالت دارد.^۱ در این مورد نیز هرگاه شرط وجه التزام به صورت غیرعادلانه در قرارداد شرط شده باشد، دادگاه با در نظر داشت عدالت قراردادی می‌تواند به تعدیل شرط یا براءت متعهد حکم دهد. در خصوص اینکه اثبات غیرعادلانه بودن و عدم تناسب میان خسارت وارده و وجه التزام به عهده‌ای کدام‌یک از طرفین قرارداد است، قانون‌گذار آن را به عهده متعهد نهاده است^۲ که باید وی غیرمتناسب بودن وجه التزام نسبت به خسارت واقعی را ثابت کند. ماده ۷۳۲ قانون مدنی افغانستان که ترجمه‌شده بند دوم ماده ۲۲۴ قانون مدنی جدید مصر^۳ است، در این خصوص بیان می‌دارد: «هرگاه مدیون ثابت نماید که ضمان تعیین شده غیرعادلانه بوده و با ضرری که از عدم تنفیذ نشأت نموده متناسب نمی‌باشد، دائن

۱. سام جاکوبسون، کریس جانس، آرش آرامش، یان اوکیون، جوی باسو، پیت دی مارکو، ایریک هامپلتون و ترانه ریدیک، مبادی حقوق وجایب افغانستان، چ دوم، پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان دانشکده حقوق دانشگاه استنفورد، ۲۰۱۴، ص ۷۰.

۲. محمد تقی مناقبی، بررسی تطبیقی شرط وجه التزام در قراردادهای، بخش دوم، مجله عدالت، وزارت عدلیه، ش ۱۱۸، ۱۳۹۱، ص ۴۰.

۳. بند دوم ماده ۲۲۴ قانون مدنی مصر: «... ۲- هرگاه متعهد ثابت کند که مبلغ معین، بسیار مبالغه‌آمیز و گزاف بوده یا اینکه تعهد اصلی به طور جزئی اجرا شده است، قاضی می‌تواند مبلغ این خسارت را کاهش دهد...».

مستحق آن شده نمی‌تواند». پس از اثبات غیرمتناسب بودن وجه التزام با خسارت واقعی قاضی به تعدیل (کاهش) وجه التزام اقدام می‌کند. البته کاهش‌ی که در خصوص وجه التزام صورت می‌گیرد، کاهش معقولی خواهد بود. به عبارتی قاضی با در نظر داشت اراده طرفین، مصالح متعهدله و حسن نیت متعهد، میزان وجه التزام را به حدی که متناسب با خسارت واقعی باشد کاهش می‌دهد نه به حدی که مساوی با خسارت واقعی باشد. بند دوم ماده ۲۲۴ قانون مدنی جدید مصر^۱ حالات کاهش وجه التزام را بیان داشته است که در دو مورد قاضی می‌تواند به میزان خسارت تعیین شده کاهش ایجاد کند؛ نخست موردی است که میان وجه مندرج وجه التزام با خسارت واقعی تفاوت فاحشی وجود داشته باشد. دوم اینکه ثابت شود جزئی از تعهد اصلی اجرا شده است. در اثر غفلت و مسامحه‌ای که در ترجمه قانون صورت گرفته است، قسمت اخیر این بند قانونی، قانون مدنی جدید مصر از سوی قانون‌نویسان افغانستانی بازمانده است. بهتر آن بود که چنین غفلت و سهل‌انگاری در ترجمه صورت نمی‌گرفت و قسمت اخیر آن بند قانونی در موارد کاهش میزان وجه التزام گنجانیده می‌شد. چه اینکه انصاف و عدالت قراردادی مقتضی آن است که در صورت تجزیه‌پذیر بودن قرارداد پایه و اجرای جزئی‌ای آن از سوی متعهد باید وجه موضوع وجه التزام به میزان انتفاعی که متعهدله از اجرای قسمی از آن می‌برد، تعدیل و کاهش یابد. بار اثبات تجزیه‌پذیری تعهد اصلی و اجرای جزئی آن در این حالت نیز به عهده متعهد است و باید به اثبات رساند که قسمتی از تعهد ناشی از قرارداد پایه که تجزیه‌پذیر است از سوی وی اجرا شده است. چه در فرض عدم تجزیه‌پذیری قرارداد پایه اجرای جزئی مفید به‌فایده واقع نشده و متعهدله نمی‌تواند از آن منتفع گردد.^۲ چرا که تجزیه شرط وجه التزام تابع قرارداد اصلی است. به این صورت که هرگاه قرارداد پایه تجزیه‌پذیر باشد، شرط مندرج در آن نیز قابل تجزیه خواهد بود. به‌علاوه برای تعدیل وجه التزام در صورت اجرای جزئی قرارداد نباید شرط خلاف تعدیل وجود داشته باشد. در فرض

۱. بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۶۶ لبنان شبیه بند ۲ ماده ۲۲۴ قانون مدنی جدید مصر بوده و مقرر می‌دارد: «... وقد وضع البند الجزائی لتعویض الدائن عن اضرار التي تلحق به من عدم تنفيذ الموجب. فلا یحق أن یطالب بالأصل و الغرامة معاً، إلا إذا كان البند الجزائی قد وضع بمجرد التأخیر أو علی سبیل اكراه المدیون علی الايفاء و یحق القاضی أن یخفف غرامة الاكراه إذا وجدها فاحشة. و للقاضی أن ینقص البند الجزائی إذا كان نفذ قسم من الموجب الاصلی».

۲. نبیل ابراهیم سعد، همان اثر، ج ۲، ص ۸۸.





وجود چنین شرط امکان تجزیه وجه التزام با احراز سایر شرایط امکان تعدیل وجه التزام در صورت اجرای جزئی فراهم نمی‌گردد. چراکه تعدیل وجه التزام استثنائی بر اصل قداست و لزوم قراردادهای است و امر استثنائی را صرفاً در مواردی می‌توان اعمال نمود که دلیل بر مشروعیت آن وجود داشته باشد. چون گسترش ناموجه استثنا ممکن است موجب ایراد خسارت به متعهدله و استیفای ناروای متعهد گردد. از سویی نیز استثنا نباید بی‌جهت توسعه داده شود و در کوچک‌ترین دایره ممکنه باید محدود گردد. بنابراین، در مانحن‌فیه نیز در فرض اجرای جزئی قرارداد نباید توافق مبنی بر عدم تعدیل وجه التزام وجود داشته باشد. چه در فرض توافق صریح عدم امکان تعدیل وجه التزام در صورت اجرای جزئی قرارداد، امکان تعدیل وجه التزام امر منتفی خواهد بود.

بند سوم: موارد افزایش وجه التزام

اصل آزادی و ثبات قراردادهای و نیز احترام به حاکمیت اراده طرفین مقتضی آن است که وجه التزام تعیین‌شده از سوی طرفین را در صورت نقض یا تأخیر در اجرای قرارداد باید متعهد برای متعهدله پرداخت کند. اما در برخی موارد چنانچه میزان وجه مندرج در شرط وجه التزام کمتر از میزان خسارت واقعی باشد، در چنین حالتی با در نظر داشت شرایط خاص قاضی صلاحیت تعدیل وجه التزام را یافته و می‌تواند که به میزان وجه مندرج وجه التزام افزایش ایجاد کند تا میزان وجه التزام معادل خسارت وارده گردد.^۱ ماده ۷۳۳ قانون مدنی افغانستان در این خصوص تصریح دارد: «در مواردی که ضرر عاید بیشتر از اندازه ضمان تعیین‌شده باشد، دائن نمی‌تواند مقدار اضافی را از مدیون مطالبه نماید، مگر این که ثابت نماید که مدیون مرتکب خیانت یا خطای فاحش گردیده است.» بر اساس این ماده قانونی هرگاه میزان وجه التزام نسبت به خسارت وارده کمتر باشد، قاضی صلاحیت افزایش در آن را که با ضرر وارده متناسب گردد را نداشته و باید به آن حکم کند. اما چنانچه متعهدله ثابت کند که به علت تقصیر متعهد یا خطای فاحش او، ضرر سنگینی را متحمل شده است که بیشتر از وجه التزام مقرر بین طرفین می‌باشد، می‌تواند با اثبات این مطلب مبلغ بیشتری را مطالبه کند.^۲ در واقع وجه التزام در چنین موردی به‌مثابه تحدید مسؤلیت متعهد از اجرای

۱. محمد اسحق رحیمی، همان اثر، ص ۴۰۲.

۲. عبدالرزاق احمد السهنوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۸۱۹.

تعهد و تخفیف مسئولیت یا عفو او از اجرای تعهد در حوزه مسئولیت قراردادی است که چنین تحدید و عفوی در مسئولیت قراردادی مجاز است، مگر در صورتی که متعهد مرتکب تقلب یا تقصیر فاحش شده باشد. در غیر این صورت، چنانچه متعهد با سوء استفاده از شرط عدم مسئولیت مرتکب تقصیر عمدی و فاحش گردد از دایره اعتبار خارج می‌گردد.^۱ به عنوان مثال هرگاه فرستنده کالا، متصدی حمل و نقل را از هلاک کالا معاف می‌کند؛ اما متصدی حمل و نقل خود کالا را سرقت کند، سرقت او در محدوده تحدید مسئولیت نمی‌گنجد و در قبال آن مسئول خواهد بود. بند دوم ماده ۸۳۰ قانون مدنی افغانستان در خصوص تحدید مسئولیت قراردادی بیان می‌کند: «... (۲) همچنان موافقت طرفین بر رفع هر نوع مسئولیت متعهد که ناشی از عدم اجرای تعهد تعاقدی وی باشد جواز دارد مسئولیت ناشی از تقلب و خطای بزرگ شخص متعهد بر اثر موافقت طرفین مرفوع شده نمی‌تواند...». بنابراین، شرط تحدید یا شرط عدم مسئولیت در مسئولیت قراردادی بر مبنای اصل آزادی قراردادها مشروع است؛ اما با وجود خطای متعهد نمی‌توان چنین شرطی را گنجانید. در شرط وجه التزام نیز چنانچه خسارت وارده نسبت به وجه التزام بیشتر باشد و متعهدله ثابت کند که متعهد مرتکب تقلب یا تقصیر فاحش شده است که در اثر آن متعهدله باید ضرر سنگین را متحمل گردد، در چنین موردی قاضی با درخواست متعهدله صلاحیت می‌یابد که به میزان وجه مندرج وجه التزام به معادل خسارت وارده افزایش ایجاد کند.^۲ البته، قاضی در موردی صلاحیت تعدیل و افزایش وجه التزام را دارد که تقلب و تقصیر فاحش از ناحیه شخص متعهد باشد. ولی هرگاه تقلب و تقصیر سنگین از سوی او نباشد، بلکه از جانب اشخاصی صورت گیرد که از جانب متعهد بابت اجرای تعهد استخدام شده‌اند، قاضی صلاحیت افزایش در میزان وجه التزام را هر چند که خسارت وارده نسبت به آن بیشتر گردد، ندارد. چراکه توافق بر تخفیف مسئولیت ناشی از خطا و تقصیر سنگین که از سوی تابعین و مستخدمین متعهد صادر می‌گردد به دلیل تصریح قانون جایز است؛ چنانکه قسمت اخیر بند دوم ماده ۸۳۰ قانون مدنی افغانستان در این مورد می‌گوید: «... (۲) ... مسئولیت ناشی از تقلب و خطای بزرگ شخص متعهد بر اثر موافقت

^۱ . محمد اسحق رحیمی، مسئولیت مدنی و الزام های خارج از قرارداد، چ اول، کابل انتشارات فرهنگ، ۱۳۹۷، ص ۳۱.

^۲ . نبیل ابراهیم سعد، همان اثر، ج ۲، ص ۹۰.





طرفین مرفوع شده نمی‌تواند متعهد می‌تواند رفع مسئولیت خود را از تقلب و خطای کلی اشخاصی که در تنفیذ تعهد استخدام نموده است شرط گذارد...». بنابراین، هرگاه متعهد به منظور اجرای تعهد خویش با ثالث قرارداد کند در قرارداد یادشده از تقلب و تقصیر فاحش مستخدمین از خود رفع مسئولیت نموده باشد، در چنین موردی در فرض قبول طرف مقابل خسارت ناشی از خطا و تقصیر مستخدمین به عهده مستخدمین است نه متعهد.^۱ در وجه التزام نیز هرگاه میزان خسارت به تقلب و خطای فاحش مستخدمین از وجه التزام از قبل تعیین شده بیشتر گردد، قاضی صلاحیت افزایش در وجه التزام را ندارد. زیرا وجه التزام در این حالت توافق مبنی بر تخفیف مسئولیت از تقلب و خطای فاحش مستخدمین متعهد تلقی می‌گردد و چنین توافقی طوری که در سطور قبلی ذکر شد، صحیح است.

بخش دوم: تعدیل وجه و وجه التزام در حقوق ایران

نظام حقوقی ایران اجرای شرط وجه التزام مندرج در قراردادها را در ماده ۲۳۰ قانون مدنی بدون قید و شرط پذیرفته است و ماده یادشده تصریح دارد: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم کند». ظاهر و اطلاق ماده یادشده مقتضی آن است که متعهد در صورت تخلف و تقاضای متعهدله وجه التزام را پرداخت کند. از سویی نیز قاضی صلاحیت کاهش یا افزایش و ابطال آن را ندارد. به عبارتی مفاد شرط بی‌کم و کاست برای متعهد لازم الوفا است، هرچند که هیچ‌گونه خسارتی به متعهدله نرسیده باشد. اساس اجرای مطلق شرط وجه التزام برمی‌گردد به «اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها»؛ این اصل اقتضا دارد که توافق طرفین نسبت به تعیین میزان خسارت معتبر و الزام‌آور بوده و ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران مؤید آن است.^۲ علاوه بر آن اقتباس ناقص از قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه بدون در نظر داشت محدودیت‌های آن باعث شده است که اصل اجرای مطلق وجه التزام مورد پذیرش قرار گیرد و به استناد قسمت اول

۱. ماری نوئل بشله و دیگران، همان اثر، ص ۳۶۸.

۲. ماده ۲۱۹ ق.م.ا.؛ «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».

ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی پیشین فرانسه قبل از اصلاحات ۱۹۷۵ که می‌گوید: «هرگاه قراردادی مقرر نماید که متخلف از اجرای قرارداد مبلغ معینی را به‌عنوان خسارت پرداخت خواهد کرد، مبلغی بیشتر یا کمتر از آن به نفع طرف دیگر حکم نخواهد شد...». قانون‌گذار فرانسه در ۱۹۷۵ تعدیل مهمی را با الحاق بخش دیگری به این ماده آورد و به‌موجب این الحاقیه، به قاضی اختیار داده شد که مبلغ وجه التزام را در صورتی که به نحو واضح و آشکاری زیاد یا کم باشد با تناسب به اصل تعهد آن را تعدیل کند.^۱ ولی قانون مدنی ایران با اقتباس از قانون مدنی فرانسه قبل از اصلاح به همان وضعیت سابق باقی بوده و هیچ‌گونه تعدیلی را ایجاد نکرده است. کشورهای که اصل مطلق اجرای وجه التزام را پذیرفته‌اند و از آن جمله ایران این سؤال مطرح می‌شود که هرگاه مبلغ مندرج در قرارداد به‌عنوان شرط وجه التزام به نحوی فاحشی بیشتر یا کمتر از میزان خسارت وارده یا اصل تعهد باشد، آیا عنوان وجه التزام بر آن صدق می‌کند؟ در چنین موردی شرط مندرج قابلیت اعمال دارد یا خیر؟ آنچه از ظاهر و اطلاق ماده ۲۳۰ در بادی امر به ذهن متبادر می‌گردد، آن است که ماده قانونی لازم‌الاجرا صراحتاً و قویاً حکم می‌کند که در هیچ وضعی دادگاه صلاحیت تعدیل را ندارد و متعهد ملزم به پرداخت آن برای متعهدله است و شرط مندرجه وجه التزام کماکان لازم-الوفاء خواهد بود. رویه قضایی دادگاه‌های ایران نیز مؤید این نظریه است؛ چنانکه در دعوی مطالبه وجه التزام اندراجی قولنامه معامله قنوت، خواننده در دفاعیه خویش مطرح می‌کند که چون ضرری به فروشنده وارد نشده است، لذا، ملزم به پرداخت وجه مندرج در آن نیست. اما شعبه ۴ بخش تهران دفاعیه وی را رد نموده و اظهار می‌دارد، نظر به اینکه به‌موجب ماده ۲۳۰ قانون مدنی، وجه التزام مندرج در سند ارتباطی با میزان واقعی خسارت خواهان ندارد و دادگاه نمی‌تواند در میزان آن تغییری دهد، دعوی ظاهراً به نظر صحیح است.^۲ همچنین مطابق رأی صادره در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۱ از شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور حاکم باید بر اساس ماده ۲۳۰ قانون مدنی متخلف را

۱. میر حسین عابدیان، مطالعه تطبیقی قابلیت اجرای شروط کیفری در قراردادها، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ش ۱۹،

۱۳۸۵، ص ۱۷.

۲. ناصر کاتوزیان، عدالت قضایی: گزیده آراء، چ دوم، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۲، ص ۴۰۳.





به تأدیبه همان مبلغ وجه التزام محکوم کند نه بیشتر یا کمتر از آن.^۱ اما با تأمل به هدف طرفین از اشتراط آن در قرارداد، آشکار می‌گردد که هدف اصلی اشتراط وجه التزام ارزیابی و برآورد خسارت ناشی از نقض تعهد است. لذا، چنانچه طرفین مبلغ گزافی را که عرفاً هیچ‌گونه تناسبی با خسارت محتمل ناشی از نقض قرارداد ندارد، به‌عنوان وجه التزام مورد توافق قرار دهند، نمی‌توان جزئی از مصادیق وجه التزام دانست و آن را اجرا نمود.^۲ دکتر ناصر کاتوزیان نیز معتقدند: «وجه التزام گزافی که هدف از برقراری آن انتفاع ناروای طلبکار است، نافذ نیست».^۳ برخی دیگر از نویسندگان قول به بطلان آن داده‌اند و معتقدند که هرگاه وجه مندرج شرط وجه التزام به نحو فاحش نامتناسب با خسارت واقعی باشد بطلان آن با عدالت در روابط قراردادی موافق است.^۴ آثار و تبعات سوء ناشی از عدم تعدیل و اجرای بلاقید و شرط وجه التزام بعد از تصویب قانون مدنی ایران به تدریج نمایان شد. از این رو اخیراً تعداد کثیری از حقوقدانان سعی بر آن دارند که با استفاده از اصول و تفسیر قوانین و مقررات راه‌حلی را برای تعدیل وجه التزام بیابند. تعلیلاتی که بر اساس آن‌ها تعدیل وجه التزام توجیه می‌گردد بر دو مبنا استوار است: نخست آنکه در فرض اجرای جزئی قرارداد و احراز سایر شرایط به میزان قرارداد انجام‌شده میزان خسارت نیز کاهش می‌یابد. دوم اینکه در فرض گزاف بودن وجه التزام و غیرمتناسب بودن آن با خسارت واقعی، اصول و تفسیر قوانین مقتضی تعدیل آن به میزان خسارت واقعی خواهد بود.

بند اول: اجرای قسمتی از تعهد

از آنجاکه قانون مدنی ایران و قانون مدنی پیشین فرانسه در حقوق تعهدات و از آن جمله وجه التزام از اصول معینی پیروی می‌کنند؛ همان‌طور که در حقوق فرانسه هرگاه قسمتی از تعهد انجام و ذی‌نفع از حاصل اقدامات متعهد منتفع گردد و تخلف نسبت به بعض دیگر باشد، دادگاه صلاحیت

۱. یدالله بازگیر، قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور، عقود و تعهدات، چ دوم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۸.

۲. میرحسین عابدیان، همان اثر، ص ۱۸.

۳. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، چ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶.

۴. میرحسین عابدیان، همان اثر، ص ۱۸.

تعدیل وجه التزام را می‌یابد، در حقوق ایران نیز باید به تبع حقوق فرانسه^۱ در صورت اجرای قسمی قرارداد و تجزیه‌پذیر بودن آن باید به میزان سودی که عاید حال متعهدله می‌گردد، به همان میزان متعهد از پرداخت وجه التزام معافیت یابد. در خصوص اینکه تعدیل وجه التزام در حقوق ایران قانون‌گذاری نشده است؛ در واقع غفلی است که نویسندگان قانون مدنی ایران در ترجمه قانون مدنی پیشین فرانسه انجام داده‌اند. به این صورت که هنگام ترجمه ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی پیشین فرانسه^۲ نسبت به بخش ششم قانون مدنی پیشین فرانسه (تعهدات همراه با شرط جزایی) بی‌توجه بوده‌اند. چه در غیر این صورت، به هیچ‌عنوان به دنبال ممنوعیت از تعدیل وجه التزام حتی در فرض اجرای قسمی از تعهد نبوده‌اند.^۳ بنابراین، در حقوق ایران نیز همانند حقوق فرانسه می‌توان گفت که در صورت تجزیه‌پذیری تعهد اصلی و انتفاع متعهدله از اجرای جزئی قرارداد، به نحوی که هر بخش از قرارداد اصلی برای او از مطلوبیت برخوردار باشد و فقدان شرط خلاف مبنی بر تعدیل وجه التزام، در فرض اجرای جزئی، قاضی از صلاحیت تعدیل وجه التزام برخوردار می‌گردد. الف) تجزیه‌پذیری تعهد اصلی: شرط وجه التزام همانند سایر شروط ضمن عقد نسبت به قرارداد اصلی جنبه فرعی و تبعی دارد. لذا، هرگاه قرارداد پایه تجزیه‌پذیر باشد، شرط مندرج در آن نیز از قابلیت تجزیه برخوردار خواهد بود، مانند اینکه شخصی از فروشگاه ماشین (موتر) ده عدد ماشین را خریداری می‌کند و به موجب شرط وجه التزام فروشنده متعهد می‌گردد که در صورت عدم تحویل ماشین‌ها در موعد معهود مبلغ ۵۰۰۰ پنج هزار دلار به‌عنوان خسارت به مشتری پرداخت



^۱. ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی پیشین فرانسه: «زمانی که بخشی از تعهد اجرا شده است، شرط کیفی (بدون هیچ‌گونه لطمه‌ای به اعمال ماده ۱۱۵۲) به نسبت سودی که از اجرای بخشی از قرارداد عاید طلبکار شده است، از سوی قاضی کاهش می‌یابد».

^۲ ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی پیشین فرانسه: «هرگاه قرارداد مقرر کند که متخلف از ایفای تعهد، مبلغ معینی بابت خسارت پرداخت کند، دادگاه نمی‌تواند حکم پرداخت خسارت بیشتر یا کمتر در حق طرف دیگر، صادر کند. (بند افزوده شده به موجب قانون شماره ۵۹۷-۷۵ مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۷۵، ماده یکم) مع ذلک دادرس (قانون شماره ۱۰۹۷-۸۵ مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۸۵، ماده یکم) رأساً، می‌تواند جریمه مورد توافق را در صورتی که کاملاً گزاف یا به طور مسخره‌آمیز کم بداند، تعدیل کند یا افزایش دهد. هرگونه شرط مخالف مقرر نشده، تلقی خواهد شد». قانون مدنی فرانسه، ترجمه محمد علی نوری، ج سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، (۱۳۹۳).

^۳. رضا مقصدی، تعدیل وجه التزام و نتایج آن در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران، پژوهشنامه حقوقی، ش ۲، ۱۳۹۰، ص



کند. چنانچه فروشنده بنا بر دلایلی نتواند همه ماشین‌ها را تحویل مشتری دهد. در چنین موردی چون قرارداد اصلی تجزیه‌پذیر است، به تبع آن شرط وجه التزام نیز قابل تجزیه خواهد بود. لذا، به میزان ماشین تحویل داده شده از سوی فروشنده به همان میزان از وجه مندرجه وجه التزام معافیت می‌یابد.

ب) انتفاع متعهده از اجرای جزئی: علاوه بر تجزیه‌پذیری موضوع تعهد اصلی، ضروری است که اجرای قسمی قرارداد برای متعهده مفید باشد و سودی عاید حال وی شده باشد.^۱ چراکه تعدیل وجه التزام در واقع پاداش تلاش‌های متعهد نسبت به اجرای تعهد نیست بلکه عوضی منافی است که متعهده آن را از اجرای جزئی قرارداد تحصیل می‌کند.^۲ از این رو دادگاه در صورت احراز سایر شرایط صرفاً به میزان منافع حاصله متعهده از اجرای جزئی تعهد در میزان وجه التزام کاهش ایجاد می‌کند. زیرا اصل بر مقطوع بودن وجه التزام بوده و تعدیل استثنائی بر اصل یادشده است. از سوی دیگر طبق قواعد عمومی نباید محدوده استثنا بلاجهت تسری داده شود و به‌علاوه گسترش محدوده استثنا بی‌آنکه موجه باشد، موجب ایراد خسارت به متعهده و استیفای ناروا متعهد می‌گردد. ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی پیشین فرانسه نیز قاضی را اجازه می‌دهد که وجه التزام را به میزان بهره‌ای که از اجرای جزئی تعهد نصیب متعهده شده است، کاهش دهد.^۳

ج) فقدان شرط خلاف تعدیل: در مورد تعدیل وجه التزام نص صریح قانونی و اصول حقوقی وجود ندارد، بلکه از اوضاع و احوال، قصد ضمنی طرفین و روح قرارداد ناشی می‌شود. از آنجا که منشأ آن را قصد ضمنی تشکیل می‌دهد، قصد ضمنی در برابر توافق صریح متعاقدین از قوت نسبتاً ضعیفی برخوردار است. لذا، چنانچه طرفین از تعدیل وجه التزام نسبت به اجرای جزئی قرارداد جلوگیری کنند، به‌نحوی که صراحتاً به عدم کاهش وجه التزام در فرض اجرای جزئی یا بر عدم قابلیت تجزیه تعهد توافق کنند یا به‌صورت غیرمستقیم از کاهش وجه التزام در صورت اجرای

۱. ناصر کاتوزیان، همان اثر، ج ۴، ص ۲۴۵؛ میرحسین عابدیان، همان اثر، ص ۲۲.

۲. رضا مقصدی، همان اثر، ص ۱۲۶.

۳. رضا مقصدی پاشاکی، مطالعه تطبیقی وجه التزام، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸، ص

قسمی قرارداد جلوگیری کنند. در چنین مواردی قصد ضمنی (تعدیل وجه التزام در صورت اجرای قسمی قرارداد) قابلیت اعمال خود را از دست می‌دهد.

بند دوم: تعدیل وجه التزام غیر متناسب

وجه التزام و شرایط اعمال آن مبتنی بر اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها است. ولی شرطی که حاوی مبلغ نامتناسب با خسارت واقعی باشد، منطبق با حاکمیت اراده طرفین قرارداد نیست و طرفین در زمان اشتراط شرط اعمال آن را قصد نمی‌کنند. به نحوی که متعهد به هیچ عنوان قصد نقض قرارداد را ندارد، صرفاً شرط یادشده را با این نیت می‌پذیرد که قرارداد نقض نمی‌شود و شرط مندرج در قرارداد هیچ‌گاه جنبه اجرایی نمی‌یابد. از سوی دیگر هدف متعهدله تضمین اجرای قرارداد است^۱ بی‌آنکه به سایر کارکردهای وجه التزام از جمله جایگزینی خسارت در فرض وقوع تخلف از اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن را قصد نموده باشد.^۲ لذا، شرط مندرج حاوی حاوی مبلغ گزاف و اجحاف‌آمیز به دلیل فقدان قصد انشا یا فقدان عناصر مورد نظر قانون‌گذار، قابلیت اجرایی ندارد. به علاوه عدم اجرای آن از سوی دادگاه با اصل حاکمیت اراده منافاتی ندارد. چه اینکه ممکن است در زمان انعقاد قرارداد هیچ‌یک از طرفین اجرای شرط را قصد نکرده باشند. از سوی دیگر عدم اعمال شرط حاوی مبلغ گزاف و اجحاف‌آمیز تفسیر وجه التزام را از عناصر ماهوی و مفهوم عرفی آن به دور می‌سازد. چراکه بر مبنای ماده ۲۲۴ قانون مدنی ایران الفاظ عقود بر معانی عرفیه آن حمل می‌شود؛ معنای عرفی وجه التزام جایگزین جبران خسارت وارده است، هرچند که میزان مندرج در آن با خسارت واقعی متناسب نباشد.^۳ برداشت یادشده نه تنها اینکه خصوصیت خسارت‌مدار وجه التزام را نفی می‌کند، مضاف بر آن صبغه تهدیدی شرط را نیز زایل می‌کند. چراکه متعهد از همان ابتدا می‌داند که در فرض وقوع تخلف، شرط اجرا نخواهد شد و این متعهدله است که بابت دریافت خسارات وارده بر مبنای قواعد عمومی به اقامه دعوی خسارت پرداخته و خسارات وارده را جبران می‌کند. به علاوه پذیرش این رویکرد باعث می‌گردد که وجه

۱. میرحسین عابدیان، همان اثر، ص ۲۰.

۲. رضا مقصدی پاشاکی، مطالعه تطبیقی وجه التزام، ص ۲۸۶.

۳. همان.





التزام قابلیت تعدیل خویش را از دست دهد و دادگاه به دلیل فقدان قصد انشا دعوی مطروحه در خصوص وجه التزام را رد کند.^۱ همچنین هدف اساسی از اشتراط وجه التزام به‌عنوان شرط ضمن عقد در قرارداد اصلی یا به‌عنوان قرارداد مستقل، مضاف بر جنبه تهدیدآمیزی بودن آن، خصوصیت جبران خسارتی آن است که از ناحیه عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن به متعهدله وارد می‌شود. چنانکه ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران قید «به‌عنوان خسارت» را در منطوق خود ارائه نموده است. لذا، هرگاه مبلغ مندرج در وجه التزام به‌صورت فوق‌العاده گزاف باشد که هیچ‌گونه تناسبی نسبت با خسارت ناشی از عدم اجرای قرارداد نداشته باشد و به‌عوض جبران خسارت هدف از برقراری آن انتفاع ناروای طلبکار باشد، نافذ نیست.^۲ برخی از نویسندگان دلیل بطلان چنین شروطی را عدم برقراری عدالت قراردادی در صورت تغییر فاحش و معتناهی مبلغ مندرج وجه التزام و خسارت واقعی دانسته‌اند.^۳ اما پذیرش نظریه بطلان در صورت غیرمتناسب بودن وجه التزام باعث می‌گردد که اهداف و نتایج وجه التزام که جنبه تضمینی و تهدیدآمیز بودن آن باشد از بین برود و نیز دادگاه را ناچار می‌سازد که بابت ارزیابی و تقویم خسارت وارده به کارشناس مراجعه نموده و فرایند طولانی تقویم خسارت قضایی را بپیماید. به عبارتی سرعت و تسهیل در رسیدگی که یکی از نتایج عمده اشتراط وجه التزام را تشکیل می‌دهد، نظریه بطلان باعث انتفای آن می‌گردد. انتقادات وارد بر نظریه عدم اعمال و بطلان شرط وجه التزام در فرض غیرمتناسب بودن آن با خسارت وارده موجب گردیده است که برخی از نویسندگان درصدد تعدیل وجه التزام باشند و برای تعدیل آن به سایر قوانین و اصول و قواعد حقوقی توسل جستند و برای دادگاه‌ها اجازه می‌دهند که در فرض غیرمتناسب بودن وجه التزام با خسارت واقعی مداخله نموده و مبلغ مندرجه وجه التزام را به میزان قابل توجهی تعدیل کند. راهکارهای که برای تعدیل وجه التزام در فرض غیرمتناسب بودن آن با خسارت واقعی ارائه شده است، قرار ذیل بررسی می‌شود.

۱. همان، ص ۲۸۷.

۲. ناصر کاتوزیان، همان اثر، ج ۴، ص ۲۴۴.

۳. میرحسین عابدیان، همان اثر، ص ۱۸.

الف) استناد به قاعده عدل و انصاف: بر اساس این قاعده هرگاه میزان وجه التزام نسبت به خسارت واقعی به صورت فاحش بیشتر باشد، دادگاه اقدام به تعدیل نموده و میزان آن را به اندازه خسارت وارده کاهش می‌دهد. بر اساس این نظریه انصاف و عدالت نسبت به مقررات قانونی و اصول حقوقی تقدم دارد. در مانحن‌فیه نیز ممکن است اعمال ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران منتج به بی‌عدالتی گردد و دادگاه به‌عنوان مجریان و حامیان عدالت وارد عمل شده و بنا بر تشخیص خود^۱ به منظور برقراری عدالت قراردادی، صلاحیت تعدیل وجه التزام را می‌یابد. البته باید گفت قاعده عدل و انصاف برای تعدیل وجه التزام از اهمیت خاصی برخوردار است که بیشتر از نویسندگان و اساتید به آن توصیه می‌دارد. طوری که برخی معتقدند که بند دوم ماده چهارم قانون مسئولیت مدنی ایران مبین پذیرش قاعده انصاف در مقررات موضوعه است و این قانون بازتاب کلی از قاعده انصاف است و دامنه آن فراتر از مسئولیت غیر قراردادی بوده که شامل مسئولیت قراردادی نیز می‌گردد. بند دوم ماده یادشده در این زمینه می‌گوید: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد... ۲. هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلت بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده شود». با وجود آنکه قانون مسئولیت مدنی مبین احکام کلی راجع به مسئولیت مدنی غیر قراردادی است؛ ولی قانون یادشده اصول و قواعد کلی را بیان می‌دارد که احکام آن قواعد محدود به مسئولیت مدنی غیر قراردادی نمی‌شود بلکه فراتر از آن در حوزه مسئولیت مدنی قراردادی نیز قابل اعمال است. لذا، قاضی با در نظر داشت ماده یادشده و لحاظ نمودن قاعده انصاف صلاحیت می‌یابد که اقدام به تعدیل وجه التزام غیرمتناسب کند. از آنجا که ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران بیانگر تغییرناپذیری وجه التزام است، حکم این ماده توسط بند دوم ماده چهارم مسئولیت مدنی تخصیص یافته و برای قاضی صلاحیت می‌دهد که در صورت حدوث شرایط مندرج در بند ماده قانونی (تخلف عامل زیان قابل اغماض نباشد و جبران کامل خسارت موجب اعسار خوانده گردد) به تعدیل و کاهش وجه التزام اقدام کند.^۲ اما با تأمل به ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی متوجه می‌شویم که بند دوم آن نه درصدد تعدیل وجه التزام در مسئولیت

۱. مرتضی عادل، توافق بر خسارت در قراردادها، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۳، ۱۳۸۰، ص

۲. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، چ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، ص ۵۳۳.



قراردادی است و نه مخصص ماده ۲۳۰ قانون مدنی است، بلکه ماده یادشده راجع به مسئولیت‌های غیر قراردادی بوده و بیانگر احکام خسارت وارده ناشی از عمل بدون مجوز قانونی اشخاص به دیگران است. علاوه بر آن هرگاه با در نظر داشت شرایط مندرج در بند دوم ماده چهارم قانون مسئولیت مدنی قاضی صلاحیت مداخله در وجه التزام را بیابد و میزان مندرج در آن را کاهش دهد؛ موجب انتفای برخی از اهداف وجه التزام شده و طبیعت آن را تغییر می‌دهد. به این صورت که وجه التزام افزون برداشتن خصوصیت جبران خسارت دارای خصوصیت تهدیدیه نیز است و حتی در برخی موارد طرفین قرارداد تعمداً به میزان گزاف از وجه التزام نسبت به خسارت واقعی بابت تهدید و وادار نمودن متعهد به اجرای تعهد و زدودن افکار نقض و فرار از اجرای تعهد، به موافقت می‌رسند. در چنین مواردی نباید قابل اغماض بودن تخلف متعهد و یا گزاف بودن مبلغ مندرج وجه التزام باعث کاهش و تعدیل آن گردد. همچنین طرفداران اعمال مفاد بند دوم ماده چهارم قانون مسئولیت مدنی راجع به تعدیل وجه التزام در فرض غیرمتناسب بودن آن با خسارت واقعی به نمونه‌ای از رویه قضایی استناد می‌کنند. به موجب رأی شماره ۳۵/۱۰۶ شعبه ۴ دادگاه بخش تهران در قراردادی که مربوط به فروش یک دستگاه منزل مسکونی بوده و فروشنده ضمن سند رسمی انتقال، تعهد می‌کند که ظرف مدت یک ماه برق خانه را وصل کند، ضمانت اجرای تخلف از انجام این تعهد چندان گزاف است که به تقریب معدل بهای خانه است، متعهد درخواست امتیاز بهره‌برداری از نیروی برق را به هنگام می‌کند و ودیعه لازم را می‌سپارد، لکن روشنایی دیرتر از موعد داده می‌شود. خریدار به علت تخلف فروشنده طرح دعوی کرده و از دادگاه تقاضای صدور حکم به پرداخت وجه التزام را می‌کند. دادگاه پس از ملاحظه مدارک دو طرف چنین رأی می‌دهد: «نظر به اینکه، تبصره ذیل سند رسمی شماره ۳۲۲۷۴ دفتر شماره ۵۲ تهران، چنانکه از عبارات سند مزبور عرفاً مستفاد می‌شود، حاوی شرط فعلی است که طبق ماده ۲۳۷ قانون مدنی خواننده متعهد شده است اقدامات لازم را برای روشنایی برق مورد معامله ظرف مدت یک ماه معمول دارد. نظر به اینکه، به موجب نامه شماره ... در تاریخ ۱۳۳۴/۸/۷ یعنی ظرف مهلت مقرر بین طرفین برای وصل جریان اقدام و به تعهد خود عمل نموده است و تأخیر روشنایی را نمی‌توان ناشی



از مسامحه و تخلف خواننده دانست؛ چنانکه مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ نیز منوطاً مؤید این مطلب می‌باشد. لذا، خواهان در مطالبه وجه التزام خواسته شده محکوم به بی‌حقی می‌گردد و...^۱ رأی یادشده به تأیید دیوان عالی نیز رسیده است. اما این رأی از مصادیق اعمال مفاد حکم منصفانه قانون مسئولیت مدنی در مسئولیت قراردادی نیست. چراکه شرایط مندرج در بند دوم ماده چهارم قانون مسئولیت مدنی (تخلف قابل اغماض متعهد و عسرت و تنگدستی متعهد) به اثبات نرسیده است. از سویی نیز در قرارداد موضوع اختلاف متعهد بدون آنکه تخلف ورزد قرارداد خویش را اجرا نموده، ولی دادگاه بدون آنکه به تعدیل وجه التزام نظری بیفکند به علت وقوع حوادث غیرمترقبه حکم به معافیت متعهد می‌دهد. همچنین اساس تأیید دیوان عالی را انصاف برآمده از قانون مسئولیت مدنی تشکیل نمی‌دهد بلکه دیوان عالی نیز با در نظر داشت شرایط طرفین و وضعیت پیش آمده حکم به معافیت متعهد را تأیید نموده بی‌آنکه تماسی به تعدیل وجه التزام بگیرد. به‌علاوه از لحاظ اصولی انصاف مندرج در بند دوم ماده چهارم قانون مسئولیت مدنی نیز نمی‌تواند مبنای رأی یادشده را تشکیل دهد. چراکه رأی در ۱۳۳۵ قبل از تصویب قانون مسئولیت مدنی صادر شده است. در نهایت با توجه به مطالب مطروحه و تحلیل ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی و رأی صادره می‌توان گفت که در فرض عدم تناسب میان وجه التزام توافق شده میان طرفین و خسارت واقعی دادگاه با استناد به قاعده انصاف و عدالت حق مداخله یافته و با در نظر داشت وضعیت متعهد و میزان تخلف او می‌تواند بدون آنکه به بند دوم ماده چهارم قانون مسئولیت مدنی استناد کند، حکم به کاهش وجه التزام دهد.

ب) استناد به قاعده لاضرر: یکی دیگر از اسبابی که موجب تعدیل وجه التزام غیرمتناسب می‌گردد، توسل به قاعده لاضرر است. قاعده یادشده از استثنائات اصل لزوم بوده و به‌موجب آن اصل لزوم قراردادها قابلیت اعمال خویش را از دست می‌دهد که با اصلاح یا تغییر در مفاد عقود و شروط، خسارت وارده نسبت به متضرر جبران می‌شود یا کاهش می‌یابد. در مانحن‌فیه نیز هرگاه اشتراط وجه التزام غیرمتناسب باعث ایراد خسارت غیرمتعارف و گزاف نسبت به متعهد گردد، قاعده لاضرر مقتضی آن است که خسارت وارده جبران و میزان وجه التزام کاهش یابد. در چنین

۱. ناصر کاتوزیان، عدالت قضائی، گزیده آراء، ص ۴۰۱.





موردی قاضی صلاحیت می‌یابد که به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی ایران^۱ متعهد را از اجرای تعهد که باعث تحمیل خسارت سنگین به او می‌گردد، معاف کند یا با در نظر داشت وضعیت حاکم اقدام به تعدیل و اصلاح مفاد قرارداد یا شروط مندرج در آن و از آن جمله وجه التزام غیرمتناسب نموده و زمینه اعمال قرارداد را فراهم کند.

ج) استناد به قاعده لاجرح: لاجرح قاعده فقهی است که بر مبنای این قاعده هر آنچه فوق طاقت بشری بوده و در آن دشواری و صعوبت باشد، حکم آن اعم از تکلیفی و وضعی منتفی است. مستنداتی که فقها به آن‌ها استناد نموده‌اند بیشتر در نفی تکلیف حرجی در عبادات است. البته باید گفت که قاعده نفی عسر و حرج یک قاعده عام بوده و در تمام مواردی که این وضعیت حاصل شده باشد، قابل اعمال است. آنچه به موجب قاعده عسر و حرج نفی می‌شود، نفس حکم حرجی است، اعم از اینکه این حکم تکلیفی باشد، مانند نماز، روزه و عبادات دیگر یا حکم وضعی باشد، مانند حکم به رفع الزام از تعهدی که موجب مشقت و حرج است. چنانکه صاحب جواهر الکلام در مورد التزام به حفر چاهی که متعهد به دشواری و صعوبت می‌افتد به استناد قاعده نفی عسر و حرج، حکم حرجی را مرفوع و مکلف را مسئول انجام تعهد نمی‌داند.^۲ در مانحن‌فیه نیز برخی از محققان به استناد بند اول ماده ۲۳۲ قانون مدنی ایران اظهار داشته‌اند که هرگاه اجرای وجه التزام برای متعهد سنگین، پرهزینه و موجب صعوبت وی گردد که شرط غیرمقدور شده باشد، دادگاه حق ابطال شرط را دارد. همچنین هرگاه شرط موجب حرج و سختی غیرمتعارف و غیرقابل تحمل برای مشروط‌علیه گردد، در چنین موردی دادگاه می‌تواند مداخله نموده و شرط وجه التزام را تعدیل کند و به صورتی درآورد که موجب سختی و فشار غیرمتعارف نگردد.^۳ انتقادی که بر نظر نویسنده اخیرالذکر وارد است در این است که میان دشواری اجرای تعهد (تعسر) و عدم امکان اجرای تعهد (تعذر) تفکیک قائل نشده است. حال آنکه تعسر و تعذر اجرای

۱. اصل ۱۶۷ ق.ا.ا: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت و نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۷، چ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ص ۲۹۱.

۳. مرتضی عادل، همان اثر، ص ۹۹.

قرارداد از لحاظ شرایط تحقق و احکام و آثار از همدیگر متفاوت هستند. بنابراین، با توجه به شرایط و آثار ناشی از قاعده لاجرح، توسل به این قاعده نیز نمی‌تواند موجب تعدیل وجه التزام غیرمتناسب گردد. زیرا تعدیل قرارداد و شرط ضمنی آن از آثار تعسر نیست تا با توجه به آن شرط وجه التزام را به‌عنوان شرط ضمن عقد تعدیل کند. تنها استدلالی که می‌توان ارائه کرد آن است که هرگاه مبلغ مندرجه وجه التزام نسبت به خسارت واقعی گزاف باشد، قاضی می‌تواند به کمک متعهد بشتابد و با در نظر داشت وضعیت متعهد و سایر اوضاع و احوال حاکم یا مهلت عادلانه برای پرداخت کل مبلغ شرط اعطا کند یا قرار اقساط صادر کند تا مبلغ شرط را در اقساط متعدد تأدیه کند. قسمت اخیر ماده ۲۷۷ قانون مدنی ایران در خصوص اعطای مهلت عادلانه یا قرار اقساط مقرر می‌دارد: «... حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد». به تأیید از این ماده، ماده ۶۵۲ آن قانون نیز برای قاضی صلاحیت می‌دهد تا با در نظر داشت وضعیت اقتصادی مقتضی و نیز اوضاع و احوال حاکم برای مقتضی مهلت عادلانه یا قرار اقساطی دهد. علاوه بر قانون مدنی، اعطای مهلت عادلانه در قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۶۲/۲/۱۳ نیز مورد تأیید قرار گرفته است و ماده ۹ آن قانون در این خصوص تصریح دارد: «در مواردی که دادگاه تخلیه ملک مورد اجاره را به لحاظ کمبود مسکن موجب عسر و حرج مستأجر بداند و معارض با عسر و حرج موجر نباشد مهلتی برای مستأجر دهد». با وجود اینکه مفاد مواد یادشده راجع به تعهد اصلی، تعهد مقتضی و مستأجر هستند؛ اما احکام آن‌ها به‌عنوان قاعده کلی نسبت به وجه التزام به‌عنوان تعهد تبعی نیز قابل تسری است. به این صورت که هرگاه در فرض تخلف متعهد، تأدیه مبلغ وجه التزام برای متعهد سنگین و موجب دشواری وی گردد، قاضی می‌تواند برای متعهد بابت پرداخت وجه التزام مهلت عادلانه دهد تا کل مبلغ مندرج در وجه التزام را بعد از سپری نمودن مهلت عادلانه تأدیه کند؛ یا برای متعهد قرار اقساطی دهد تا مبلغ مندرج وجه التزام را در اقساط متعدد برای متعهدله بپردازد. البته، با تسری احکام عمومی عقود و حکم عقد قرض و اجاره نسبت به وجه التزام به‌عنوان تعهد تبعی و اعطای مهلت عادلانه یا قرار اقساطی نیز هیچ‌گرمی از مشکل تعدیل وجه التزام در فرض غیرمتناسب بودن گشوده نمی‌شود و وجه التزام بنا بر حکم ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران کماکان مقطوع و ثابت باقی می‌ماند بی‌آنکه تعدیل و کاهش در آن ایجاد گردد. ممکن است گفته شود که در فرض غیرمتناسب بودن وجه التزام قاضی به فریاد متعهد شتافته و با اعطای مهلت





عادلانه یا قرار اقساطی به وی کمک نموده است؛ اما وجه التزام تعیین شده طرفین همچنان به حالت اولیه خود باقی بوده و معتبر تلقی می‌گردد، بی‌آنکه کاهش یا تعدیلی در آن ایجاد شده باشد. ممکن است گفته شود اعطای مهلت و قرار اقساط باعث می‌گردد که متعهد، متعهدله را در مقطع زمانی از سر خود رفع و تضییق او مبدل به تسهیل گردد؛ ولی در واقع هیچ‌گونه تعدیلی در وجه التزام ایجاد نمی‌شود. منتها تعلیلات اخیر راجع تعدیل وجه التزام منطقی و منصفانه نمی‌نماید. درست است که اعطای مهلت و قرار اقساط باعث کاهش وجه مندرج وجه التزام نمی‌گردد؛ اما در واقع کمکی است که از سوی دادگاه برای متعهد صورت می‌گیرد. زیرا ممکن است در مهلت اعطای متعهد مفلس و فقیر به شخص ملأی مبدل گردد. علاوه بر آن تأدیه وجه مندرج در موعد معهود قراردادی از قیمت بیشتر اقتصادی و معنوی نسبت به تأدیه آن در مهلت اعطای برخوردار است. چون ارزشی که پول در زمان فلس برای شخص دارد طبیعتاً که بالاتر از ارزشی است که در زمان ملأی او دارد. از سوی دیگر موضوع وجه التزام علاوه بر وجه نقد و اجرا یا امتناع از عمل، ممکن است کاهش یا افزایش در میعاد استعمال حق باشد، مانند آنکه طرفین به توافق می‌رسند که مدیون دین را قرار اقساط تعیین شده برای دائن تأدیه کند. وقتی که طرفین افزایش در میعاد اعطای استعمال حق را می‌توانند موضوع وجه التزام تعیین کنند، دادگاه نیز در موارد خاص صلاحیت می‌یابد که با در نظر داشت اوضاع حاکم برای متعهد مهلت اعطا کند یا قرار اقساط دهد که در نتیجه آن وجه التزام کاهش می‌یابد. بنابراین، قاعده عسر و حرج از قواعد بنیادین فقهی است که باعث تعدیل وجه التزام می‌گردد. چه در فرض گزاف بودن وجه موضوع وجه التزام و گرفتاری متعهد به مشقت و درخواست او از دادگاه، دادگاه با در نظر داشت اوضاع و احوال حاکم برای متعهد حکم به اعطای مهلت یا قرار اقساط می‌دهد که حکم یادشده به خودی خود موجب رفع تضییق و کاهش وجه التزام می‌گردد.

نتیجه گیری

یکی از مهم‌ترین شروطی را که طرفین هنگام انعقاد یا بعد از آن ضمن عقد شرط می‌کنند، شرط وجه التزام است. شرط یادشده بیشتر جنبه تهدیدی و بازدارندگی برای متعهد بابت نقض قرارداد دارد. در واقع هشدار است برای طرفی که در ذهن اندیشه تخلف یا نقض قرارداد را می‌پروراند.

البته، مطالبه شرط یادشده با اثبات ورود خسارت ملازمه ندارد، هرچند که هیچ‌گونه خسارتی وارد نشده باشد، متعهد باید بدون کم‌وکاست آن را پرداخت کند. به‌علاوه مبلغ مقطوعی را که طرفین به‌منظور جلوگیری از نقض قرارداد یا تأخیر در اجرای آن تعیین می‌کنند، ممکن است متناسب با خسارت وارده باشد یا نباشد. به‌علاوه شرط یادشده در صورتی قابل اعمال و مفید به فایده خواهد بود که مبلغ مندرج وجه التزام عادلانه، با حسن نیت و با احتساب عوامل مؤثر تعیین شده باشد. اما از آنجاکه در زمان انعقاد قرارداد مبلغی قابل تعیین نبوده و افزون بر آن عوامل مؤثر و از آن جمله نوسانات عرضه و تقاضا، افزایش نرخ تورم، کاهش قدرت خرید پول و غیره قابل پیش‌بینی نیست، این ریسک وجود دارد که مبلغ مندرج وجه التزام در زمان نقض قرارداد، فاحش یا ناچیز جلوه کند. از آن رو است که امروزه در بیشتر نظام‌های حقوقی تابع حقوق مدون و از آن جمله نظام حقوقی افغانستان در موارد خاص برای قاضی صلاحیت تعدیل شرط وجه التزام وجود دارد. به این صورت که هرگاه شرط یادشده غیرعادلانه باشد، قاضی می‌تواند به درخواست متعهد میزان آن را کاهش یا به درخواست متعهدله افزایش دهد (ماده ۷۳۱ قانون مدنی افغانستان). در حقوق ایران آنچه از ظاهر و اطلاق ماده ۲۳۰ در بادی امر به ذهن می‌رسد آن است که در هیچ وضعی دادگاه صلاحیت تعدیل آن را ندارد و متعهد ملزم به پرداخت آن برای متعهدله است و شرط مندرجه وجه التزام کماکان لازم‌الوفا خواهد بود. رویه قضایی دادگاه‌های ایران نیز مؤید این دیدگاه است. اما با التفات به آثار و تبعات سوء ناشی از عدم تعدیل و اجرای بلاقید و شرط وجه التزام، قواعد عدل و انصاف، لاضرر و لاجرح که از اصول شناخته شده فقهی می‌باشند، مقتضی تعدیل در مقررات ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران و تدوین مقررات نوینی هستند و قاضی باید صلاحیت ارزیابی مفاد شرط و مقایسه آن با میزان خسارت ناشی از نقض قرارداد را داشته باشد. به‌علاوه قاضی با احتساب اوضاع و احوال خاص پرونده، عرف و عادت مسلم معامله و قواعد یادشده فقهی، مبلغ مورد توافق را در صورتی که نسبت به خسارت واقعی ناچیز و اندک باشد، افزایش دهد و چنانچه در زمان صدور حکم میزان وجه مندرج در وجه التزام نسبت به میزان خسارت وارده بیشتر باشد یا متعهد جزئی از تعهد را اجرا کرده باشد، در چنین مواردی به میزان خسارت وارده یا به میزان تعهد انجام‌شده به‌منظور برقراری تعادل قراردادی، میزان وجه التزام را باید کاهش دهد. البته در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه، متعهد با اجرای جزئی تعهد در صورتی می‌تواند خواستار کاهش وجه التزام



گردد که قرارداد اصلی تجزیه پذیر بوده و به میزان تعهد انجام شده متعهدله منتفع شده باشد. علاوه بر آن شرط عدم تعدیل وجه التزام از سوی طرفین نشده باشد. بنابراین، پیشنهاد ایزاد بند جدیدی در مواد ۲۳۰ قانون مدنی ایران و ۷۳۲ قانون مدنی افغانستان در خصوص کاهش وجه التزام می‌گردد که در صورت تجزیه‌پذیر بودن قرارداد اصلی و اجرای جزئی آن از سوی متعهد باید وجه موضوع وجه التزام به میزان انتفاعی که متعهدله از اجرای بخشی از آن می‌برد، تعدیل و کاهش یابد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و مآخذ

الف - فارسی

۱. بازگیر، یدالله، قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور، عقود و تعهدات، چ دوم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۲.
۲. جاکوبسون، سام، جانس، کریس، آرامش، آرش، اوکیون، یان، باسو، جوی، دی مارکو، پیتر، هامیلتون، ایریک و ریدیک، ترانه، مبادی حقوق وجایب افغانستان، چ دوم، پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان دانشکده حقوق دانشگاه استنفورد، ۲۰۱۴.
۳. رحیمی، محمد اسحق، مسئولیت مدنی و الزام های خارج از قرارداد، چ اول، کابل انتشارات فرهنگ، ۱۳۹۷.
۴. عابدیان، میر حسین، مطالعه تطبیقی قابلیت اجرای شروط کیفری در قراردادها، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ش ۱۹، ۱۳۸۵.
۵. عادل، مرتضی، توافق بر خسارت در قراردادها، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۳، ۱۳۸۰.
۶. کاتوزیان، ناصر، عدالت قضایی: گزیده آراء، چ دوم، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۲.
۷. محمد تقی مناقبی، بررسی تطبیقی شرط وجه الالتزام در قراردادها، بخش دوم، مجله عدالت، وزارت عدلیه، ش ۱۱۸، ۱۳۹۱.
۸. مقصودی پاشاکی، رضا، مطالعه تطبیقی وجه التزام، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۹. مقصودی، رضا، تعدیل وجه التزام و نتایج آن در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران، پژوهشنامه حقوقی، ش ۲، ۱۳۹۰.

ب - عربی



- ١٠.الجمال، مصطفى، ابوالسعود، رمضان محمد و سعد، نبيل ابراهيم، مصادر و احكام الالتزام، ج اول، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقيه، ٢٠٠٦.
- ١١.سعد، نبيل ابراهيم، النظرية العامه للالتزام، ج ١، ج دوم بيروت، دار النهضة العربيه، ١٩٩٨.
- ١٢.السنهوري، عبدالرزاق احمد، الوسيط في شرح القانون المدني الجديد، ج ٢، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

